

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سرشناسه :	توران، امداد، ۱۳۶۰.
عنوان و نام پدیدآور:	خلقت نوری پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در اندیشه امامیه نخستین؛ امداد توران
مشخصات نشر:	قم: مؤسسه علمی-فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	؟؟؟ ص.
فروست:	پژوهشکده کلام اهل بیت ﷺ؛ ۱۴.
شابک (ISBN):	۴-۴۴-۴۴۴-۴۴۴
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا.
یادداشت:	؟؟؟
یادداشت:	؟؟؟
موضوع:	کتابنامه ص. (۲۹۳) - ۳۲۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع:	؟؟؟
موضوع:	روبهنگاه قرآن و حدیث
موضوع:	؟؟؟
شناسه افزوده:	مؤسسه علمی-فرهنگی دارالحدیث. پژوهشکده کلام اهل بیت ﷺ.
شناسه افزوده:	پژوهشگاه قرآن و حدیث
رده بندی کنگره:	BP ۴۴۴ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی:	؟؟؟
شماره کتاب شناسی ملی:	؟؟؟



خلقت نوری پیامبر ﷺ و اهل البیت 



پژوهشگاه قرآن و حدیث

امداد توران



خلقت نوری پیامبر ﷺ و اهل البيت  در اندیشه امامیه نخستین

امداد توران



سازمان چاپ و نشر

دفتر مرکزی:

سازمان چاپ و نشر دار الحدیث: قم، میدان شهدا، ابتدای خیابان معلم، پلاک ۱۲۵
تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۱۶۵۰ - ۰۲۵-۳۷۷۴۰۵۲۳ ص.پ: ۳۷۱۸۵/۴۴۶۸

hadith@hadith.net
http://www.hadith.net

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

.....	سخن بزوهشگده	۱۵
.....	پیش گفتار	۱۷
.....	فصل اول: اعتبارسنجی احادیث خلقت نوری	۲۷
.....	مقدمه	۲۷
.....	روش اعتبارسنجی: جمع قرآن	۲۹
.....	۱. قرار داشتن حدیث در کتب محدثان معتبر	۳۰
.....	۲. وجود زنجیره روایت قابل اعتماد در سند حدیث	۳۱
.....	۳. درج حدیث در مصادر معتبر نخستین	۳۳
.....	۴. تناسب محتوای حدیث با شبکه معنایی احادیث مرتبط	۳۳
.....	ترتیب قرآن	۳۵
.....	درجه‌مندی امتیاز قرآن و اعتبار روایات	۳۶
.....	احادیث خلقت نوری در منابع معتبر حدیثی	۳۷
.....	حدیث اول	۴۰
.....	حدیث دوم	۴۲

۴۵.....	حدیث سوم
۴۶.....	حدیث چهارم
۴۹.....	حدیث پنجم
۵۱.....	حدیث ششم
۵۲.....	حدیث هفتم
۵۴.....	حدیث هشتم
۵۶.....	حدیث نهم
۵۹.....	حدیث دهم
۶۳.....	حدیث یازدهم
۶۴.....	حدیث دوازدهم
۶۷.....	حدیث سیزدهم
۶۷.....	حدیث چهاردهم
۶۸.....	حدیث پانزدهم
۶۹.....	حدیث شانزدهم
۷۲.....	حدیث هفدهم
۷۴.....	حدیث هجدهم
۷۶.....	حدیث نوزدهم
۷۷.....	حدیث بیستم
۷۸.....	حدیث بیست و یکم
۸۰.....	حدیث بیست و دوم
۸۲.....	حدیث بیست و سوم
۸۲.....	حدیث بیست و چهارم
۸۳.....	حدیث بیست و پنجم
۸۴.....	حدیث بیست و ششم
۸۵.....	حدیث بیست و هفتم

۸۶.....	حدیث بیست و هشتم
۸۶.....	حدیث بیست و نهم
۸۷.....	حدیث سی ام
۸۸.....	حدیث سی و یکم
۸۹.....	حدیث سی و دوم
۹۰.....	حدیث سی و سوم
۹۱.....	حدیث سی و چهارم
۹۲.....	حدیث سی و پنجم
۹۳.....	حدیث سی و ششم
۹۴.....	حدیث سی و هفتم
۹۵.....	حدیث سی و هشتم
۹۶.....	اعتبارسنجی محتوایی احادیث خلقت نوری
۹۹.....	احادیث خلقت نوری در منابع سنی
۱۰۲.....	فراوانی نقل از هر کدام از معصومان <small>علیهم السلام</small>
۱۰۳.....	تواتر احادیث خلقت نوری در مضمون مشترک
۱۰۴.....	طبقات روای احادیث خلقت نوری از امام صادق <small>علیه السلام</small>
۱۰۴.....	طبقه اول
۱۰۶.....	طبقه دوم
۱۰۶.....	طبقه سوم
۱۰۷.....	طبقه چهارم
۱۰۸.....	طبقه پنجم
۱۰۹.....	طبقه ششم
۱۰۹.....	طبقه هفتم
۱۱۰.....	احادیث اولین مخلوق بودن اهل البیت <small>علیهم السلام</small> در منابع معتبر حدیثی

۱۱۱.....	حدیث یکم
۱۱۱.....	حدیث دوم
۱۱۲.....	حدیث سوم
۱۱۳.....	حدیث چهارم
۱۱۴.....	حدیث پنجم
۱۱۵.....	احادیث خلقت نوری در منابع حدیثی مشکوک
۱۱۵.....	۱. کتاب سلیم بن قیس
۱۱۶.....	۲. تفسیر قرآن منسوب به امام حسن عسکری 
۱۱۶.....	۳. تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی
۱۱۷.....	۴. تفسیر فرات الکوفی
۱۱۸.....	۵. الهدایة الكبرى نوشته حسین بن حمدان خصیبی
۱۱۸.....	۶ و ۷. مروج الذهب و اثبات الوصیة نوشته علی بن الحسین المسعودی
۱۱۹.....	۸. مقتضب الاثر فی عدد علی الانمه الاثنی عشر نوشته ابن عیاش جوهری
۱۲۰.....	۹. الاختصاص منسوب به شیخ مفید
۱۲۱.....	۱۰ و ۱۱. دلائل الامامه و نوادر المعجزات
۱۲۱.....	۱۲. المناقب نوشته علوی
۱۲۳.....	۱۳. عیون المعجزات نوشته حسین بن عبدالوهاب
۱۲۳.....	استنادپذیری احادیث خلقت نوری منقول در منابع مشکوک
۱۲۵.....	استنادپذیری احادیث خلقت نوری ضعیف السند
۱۲۶.....	حدیث اول
۱۲۷.....	راوی اول: محمد بن عمر جعابی
۱۳۰.....	راوی دوم و سوم: حسن بن عبدالله رازی و پدرش
۱۳۱.....	منبع
۱۳۳.....	محتوا

۱۳۵ حدیث دوم
۱۳۷ روای اول: الحسن بن محمد بن سعید الهاشمی
۱۳۸ روای دوم: فرات بن ابراهیم الکوفی
۱۳۸ روای سوم: محمد بن احمد بن علی الهمدانی
۱۳۸ روای چهارم و پنجم: عباس بن عبد الله و محمد بن قاسم
۱۳۹ محتوا
۱۴۰ برتری اهل البیت <small>علیهم السلام</small> بر ملائکه
۱۴۳ تعلیم توحید و تسبیح به ملائکه
۱۴۸ نتیجه
۱۵۱ فصل دوم: مضمون‌شناسی احادیث خلقت نوری اهل البیت <small>علیهم السلام</small>
۱۵۱ مقدمه
۱۵۳ اهل البیت <small>علیهم السلام</small> ، نخستین مخلوق
۱۵۴ خلقت اهل البیت <small>علیهم السلام</small> به مثابه نور یا روح
۱۵۷ طولی بودن خلقت انوار
۱۵۸ خلقت اهل البیت <small>علیهم السلام</small> از نور خداوند
۱۶۲ اهل البیت <small>علیهم السلام</small> به صورت اشباح نور
۱۶۲ اهل البیت <small>علیهم السلام</small> به مثابه اظله
۱۶۳ نسبت مفاهیم راجع به وجود پیشین اهل البیت <small>علیهم السلام</small> در روایات
۱۶۸ زمان خلقت انوار اهل البیت <small>علیهم السلام</small>
۱۶۹ مکان استقرار انوار اهل البیت <small>علیهم السلام</small>
۱۷۱ تسبیح و تقدیس خداوند و تعلیم آن به ملائکه
۱۷۳ اطلاع پیشین اهل البیت <small>علیهم السلام</small> از عوالم پیشین
۱۷۵ میثاق الهی در عوالم پیشین

۱۷۵	قرار گرفتن نور اهل البیت علیهم السلام در طینت مخزون
۱۷۶	انتقال انوار اهل البیت علیهم السلام به عالم دنیا
۱۷۸	هماهنگی شأن اهل البیت علیهم السلام در دنیا و در عوالم پیشین
۱۸۰	خلقت نوری شیعیان
۱۸۱	جمع بندی

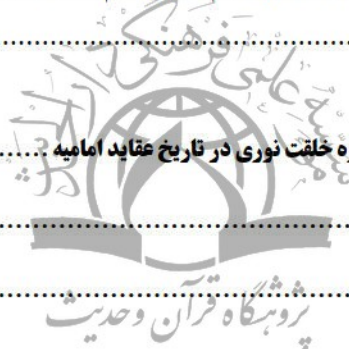
فصل سوم: جریان شناسی راویان احادیث خلقت نوری اهل البیت علیهم السلام در مدارس کوفه و قم... ۱۸۳

۱۸۳	واگرایی بین بدنه اصلی امامیه با غالیان و متهمان به غلو
۱۸۷	گونه‌های احادیث خلقت نوری اهل البیت علیهم السلام
۱۸۸	متهمان به غلو و متهم کنندگان به غلو
۱۹۴	مدرسه کوفه
۱۹۶	نقش روای متهم به غلو در نقل احادیث خلقت نوری
۱۹۶	جابر بن یزید
۱۹۷	مفضل بن عمر
۱۹۸	عمرو بن شمر
۱۹۹	محمد بن سنان
۲۰۰	علی بن حماد
۲۰۱	محمد بن عیسی بن عبید
۲۰۲	جعفر بن محمد بن مالک کوفی
۲۰۳	ابراهیم بن اسحاق الاحمری النهاوندی
۲۰۴	حضور زنجیره‌وار متهمان به غلو در اسناد احادیث خلقت نوری اهل البیت علیهم السلام
۲۰۷	نقل راویان مجهول
۲۰۸	نقش محدثان برجسته در نقل احادیث خلقت نوری اهل البیت علیهم السلام
۲۱۳	موضع هشام بن حکم و دیگر متکلمان معروف کوفی

۲۱۶	مدرسه قم
۲۱۶	خطوط حدیثی کلامی مدرسه قم
۲۱۸	نقش روای متهم به غلو
۲۱۸	محمد بن علی صیرفی ابوسمینه
۲۱۸	حسین بن عبیدالله بن سهل قمی الصغیر
۲۱۹	سهل بن زیاد
۲۲۰	خط احمد بن محمد بن عیسی
۲۲۰	احمد بن محمد بن عیسی
۲۲۱	سعد بن عبدالله اشعری
۲۲۲	محمد بن یحیی ابو جعفر العطار
۲۲۲	عبدالله بن جعفر الحمیری
۲۲۲	محمد بن الحسن بن فروخ صفار قمی
۲۲۳	محمد بن احمد بن یحیی الاشعری صاحب نوادر
۲۲۳	محمد بن الحسن بن الولید
۲۲۴	علی بن الحسین بن بابویه
۲۲۵	شیخ صدوق
۲۲۵	خط ابراهیم بن هاشم
۲۲۷	خط احمد بن محمد بن خالد البرقی
۲۲۸	نتیجه
۲۳۱	فصل چهارم: عوالم پیشین در مدرسه کلامی بغداد
۲۳۱	انکار عوالم پیشین در مدرسه کلامی بغداد
۲۳۳	مواجهه تأویلی با احادیث وجود پیشین
۲۳۳	احادیث خلقت نوری

۲۳۵.....	احادیث خلقت ارواح پیش از ابدان
۲۳۷.....	احادیث عالم ذر
۲۳۹.....	تفسیر و تأویل آیه الست
۲۴۱.....	نفی حجیت احادیث وجود پیشین
۲۴۳.....	امکان ناپذیری وجود پیشین ارواح به دلیل قائم به نفس نبودن روح
۲۴۹.....	به یاد نیاموردن عوالم پیشین، دلیلی بر نفی آنها
۲۵۱.....	بطلان تناسخ، دلیلی بر بطلان وجود پیشین
۲۵۳.....	بطلان غلو، دلیلی بر نفی عالم انوار
۲۵۵.....	نتیجه
۲۵۷.....	فصل پنجم: عوالم پیشین در مدرسه کلامی ری
۲۵۷.....	مقدمه
۲۶۱.....	مخالفان عوالم پیشین
۲۶۲.....	انکار کنندگان به صراحت
۲۶۲.....	فضل بن حسن طبرسی (۴۶۸-۵۴۸ق)
۲۶۳.....	ابوالفتوح رازی (اواخر قرن پنجم تا میانه قرن ششم)
۲۶۳.....	ابن شهر آشوب (۴۸۸/۹-۵۸۸ق)
۲۶۴.....	همسویان با مبانی منکران
۲۶۴.....	محمد بن حسن مقرئ نیشابوری (زنده در میانه قرن ششم)
۲۶۵.....	عبدالجلیل قزوینی رازی (زنده تا حدود ۵۶۰ق)
۲۶۶.....	محمود بن علی بن حسن حمصی رازی (متوفای ۶۰۰ق یا اندکی بعد)
۲۶۶.....	اباکنندگان از نقل روایات عوالم پیشین
۲۶۷.....	عبدالرحمن بن احمد خزاعی (زنده در قرن ششم)
۲۶۷.....	منتجب الدین رازی (۵۰۴-۵۸۵ق)

۲۶۸.....	ابن حمزه طوسی (زنده در میانه قرن ششم)
۲۶۸.....	راویان احادیث عوالم پیشین
۲۶۹.....	قتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ق)
۲۷۲.....	احمد بن علی طبرسی (زنده در میانه قرن ششم)
۲۷۴.....	عمادالدین طبری آملی
۲۷۵.....	قطب‌الدین راوندی (متوفای ۵۷۳)
۲۷۶.....	شاذان بن جبرئیل (زنده در قرن ششم)
۲۷۹.....	ابن المشهدی (متوفای اواخر قرن ششم یا اوایل هفتم)
۲۸۱.....	نتیجه
۲۸۳.....	فصل ششم: سیر تطور آموزه خلقت نوری در تاریخ عقاید امامیه
۲۹۳.....	کتاب‌نامه
۳۰۹.....	نمایه اعلام





سخن پژوهشگرده

پیامبر و امام در اندیشه شیعیان یگانه راهنمایانی اند که می‌توانند انسان را در مسیر پرفراز و نشیب آغاز تا انجام و مبدأ تا معاد، از فرافتادن در راه‌های متفرق منتهی به گم‌گشتگی بازدارند و با نشان دادن «راه‌های سلام» به سلامت به منزلگه مقصود، که آرمیدن در جوار رحمت الهی است، برسانند. این تصویر از پیامبر و امام که با درجات مختلفی از وضوح و تمایز در ذهن بسیاری از شیعیان نقش بسته، در باطن و بطن تمام مناسک و شعائر پیامبرمحور و امام‌محوری که شیعیان سالانه و ماهانه و گاه روزانه به‌جا می‌آورند، نهفته است. تلقی امام در مقام راهبری الهی که در ظاهر و باطن انسان را در مسیر منتهی به رحمت الهی پیش می‌برد، غالباً با پشتوانه آموزه‌هایی صورت می‌گیرد که به وجودشناسی امامان نظر دارند. در میان این آموزه‌ها، آموزه خلقت نوری، که پیدایش اهل‌البیت علیهم‌السلام را به آغازگاه خلقت برمی‌گرداند، ای‌سا بیش از دیگر آموزه‌ها سزاوار ژرفکاوی تاریخی باشد. با پی‌بردن به ریشه‌ها و رویش‌های تاریخی این آموزه می‌توان هم استواری درونی آن و هم توانش برای پشتیبانی از آموزه‌های دیگر را سنجید.

واکاوی سرگذشت انگاره خلقت نوری در حدیث و کلام امامیه فقط پاسخ به پرسش‌های تاریخ فکری نیست، تا تحقیقی منحصرأ معطوف به گذشته باشد، بلکه با تجهیز اندیشه‌ورزی به مبانی کلامی و روش‌های اجتهادی موافقان و مخالفان این

انگاره، مشعلی از تجارب فکری را در اختیار می‌نهد که برای پرتو افکندن به مسیر آینده به آن نیاز مندیم. از این حیث، آموزه‌های دیگر نیز دست‌کم به همین اندازه حائز اهمیت‌اند. واکاوی تاریخی این آموزه‌ها که در دستور کار پژوهشکده کلام اهل بیت  قرار دارد، سرمایه تاریخی ما را در عرصه علم کلام چنان غنی می‌کند که می‌توان در پرتو آن به بازسازی کلام کنونی بر اساس بهترین الگوی ناظر به سنت کلامی و در عین حال متکی به عقل و وحی همت گمارد.

پژوهشکده کلام اهل بیت  از بدو تأسیس تلاش کرده تا در حد توان خود، زمینه علمی مساعدی را برای تحقیق در عرصه تاریخ کلام و موضوعات کلامی فراهم آورد. اینک کتاب پیش‌رو، میوه یکی از بذرهایی است که با تلاش نویسنده در این زمین حاصل خیز کشت شده و پس از دو سال و اندی به بار نشست است. البته، در این مسیر - همان‌گونه که در پژوهشکده دربارہ همه پژوهش‌ها مرسوم بود - از همفکری‌ها و پیشنهادهای همراهان طریقت پژوهش، که هر کدام همزمان موضوع خاص خود را دنبال می‌کردند، بهره‌مند شده است.

بی‌تردید اگر حمایت‌های بی‌دریغ و نسیب محترم پژوهشگاه قرآن و حدیث، حضرت آیت‌الله ری‌شهری، و همدلی و همراهی قائم مقام پژوهشگاه، جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر برنجکار، مددکارمان نمی‌شد، معلوم نبود کی و کجا بتوانیم این ثمردهی‌ها را به تماشا بنشینیم. مزید توفیق ایشان و همه دست‌اندرکاران پژوهشگاه را آرزو مندم.

در آخر شایسته است تلاش‌های نویسنده محترم اثر جناب آقای دکتر امداد توران را ارج نهاده و توفیقات روزافزون ایشان در خدمت به قرآن و حدیث را بیش از پیش از خداوند متعال مسألت نمایم.

محمد تقی سبحانی

رئیس پژوهشکده کلام اهل بیت 

پیش‌گفتار

روایات خلقت نوری اهل البیت علیهم‌السلام بیان می‌کنند که اهل البیت علیهم‌السلام نخستین مخلوقات خداوندند که همچون نور، شیخ نور، سایه نور یا روح از نور خداوند آفریده شدند و با استقرار در اطراف یا جانب راست عرش الهی، حمد و تسبیح خداوند را به جا آوردند. پس از آفرینش حضرت آدم، خداوند انوار اهل البیت علیهم‌السلام را به نوری یکپارچه بدل کرد و در صلب حضرت آدم قرار داد. این نور در اصلاّب و ارحام پاک منتقل شد تا در نهایت همه اهل البیت علیهم‌السلام از پدر و مادر خود متولد شدند.

در کنار روایات خلقت نوری، دسته دیگری از روایات از تقدم خلقت ارواح انسان‌ها بر ابدان‌شان سخن می‌گویند و تأکید می‌کنند که ارواح انسان‌ها پیش از گام نهادن به عالم دنیا آفریده شده بودند و با یکدیگر آشنایی داشتند، به گونه‌ای که مؤالفت و مخالفت دنیوی انسان‌ها در مؤالفت و مخالفت ارواحشان در حیات پیشین ریشه دارد. این روایات همچنین بیان می‌دارند که این ارواح بر اهل البیت علیهم‌السلام عرضه شدند و ایشان از همان زمان دوستان خود را می‌شناختند.

دسته سوم از روایات نیز از خلقت ذّری و عالم ذّری سخن به میان می‌آورند. در روایات خلقت ذّری آمده است که خداوند انسان‌ها را به صورت موجودات ریز و ذّره‌وار از صلب حضرت آدم بیرون کشید و با معرفی خود به ایشان، از آنان پیمان بندگی گرفت. این ذرات هر کدام در زمان مقرر از صلب پدر به رحم مادر منتقل

می‌شوند تا با گذر از مراحل جنینی متولد شوند.

بر این اساس، بدون دشواری چندانی می‌توانیم بگوییم هر کدام از این سه دسته روایات، از یک عالم پیشین و در مجموع از سه عالم پیشین سخن می‌گویند: ۱. عالم انوار، یعنی عالمی که در آن فقط انوار اهل البیت  آفریده شده بودند و خبری از دیگر انسان‌ها نبود؛ ۲. عالم ارواح که در آن ارواح همه انسان‌ها مقدم بر ابدانشان آفریده شدند و ۳. عالم ذر که در آن ابدان همه انسان‌ها به صورت موجوداتی ریز و ذره‌وار آفریده شدند. صرف نظر از جزئیاتی که در این روایات درباره هر کدام از این عوالم مطرح است و با گذر از بحث‌های دشواری که درباره نسبت این عوالم پیش می‌آید، آنچه از منظر تاریخ کلامی اهمیت دارد آن است که وجود روایات فوق در منابع حدیثی، زمینه‌ای برای سه بحث کلامی عمدتاً مجزا در نزد متکلمان، مفسران، فلاسفه و عارفان شیعی بوده است: ۱. بحث عالم انوار و خلقت نوری اهل البیت ؛ ۲. بحث عالم ارواح و تقدم خلقت ارواح بر ابدان و ۳. بحث عالم ذر.

تمایز موضوعی عوالم پیشین و مجزا بودن بحث‌های راجع به آنها مانع از همسانی سرنوشت کلامی آنها نبوده است. در طول تاریخ امامیه برخی از متکلمان هر سه انگاره را یکجا پذیرفته و برخی دیگر هر سه را با هم رد یا تأویل کرده‌اند. در یک نگاه کلی می‌توان مواضع اندیشمندان امامی در قبال عوالم پیشین و روایات راجع به آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. نقل و پذیرش مضمون روایات دال بر عوالم پیشین و گاه تلاش برای تفسیر آنها، نظیر آنچه که در صفار، کلینی، صدوق و نیز محدثان متأخر نظیر علامه مجلسی^۱ می‌توان دید. شیخ صدوق علاوه بر نقل روایات دال بر وجود پیشین، نخستین مخلوق بودن ارواح مقدس و مطهر و نیز تقدم ارواح انسان‌ها بر ابدانشان را

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۲۵؛ ج ۲۵، ص ۲۵؛ ج ۵۸، ص ۱۴۳.

جزو اعتقادات امامیه برشمرده است.^۱ در عصر حاضر اصحاب مکتب معارف، معروف به مکتب تفکیک، همین رویکرد را دنبال می‌کنند؛ اما روشن است که رویکرد ایشان با شیخ صدوق و حتی علامه مجلسی در یک سطح نظری قرار ندارد. اصحاب معارف تلاش کرده‌اند در عین التزام حداکثری به نصوص، معارف الهی را در ابواب مختلف اعتقادی، از جمله امامت، به شکلی هم‌نظام‌مند و مستدل و هم‌ناظر به کل سنت کلامی، فلسفی و عرفانی پیشین استنباط و تبیین کنند. بدین ترتیب در این مکتب با یک نظام نظری امام‌شناسی مواجهیم که در هماهنگی با کلیت دستگاه کلامی ایشان تنسیق یافته است؛ روشن است که این سطح از نظام‌وارگی و دستگاه‌سازی در عهد شیخ صدوق و حتی علامه مجلسی معهود و میسور نبود. بنیادگذار این مکتب، آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی، در معارف القرآن و نیز در تقریرات^۲ به تفصیل در این باره سخن گفته است.

تألیفات آقای محمد بیابانی اسکویی را می‌توان نمونه‌ای جدید از این موضع کلامی دانست. وی در سلسله مقالات خود موضوعاتی از قبیل تواتر روایات دال بر خلقت ارواح پیش از ابدان،^۳ دیدگاه عالمان قرون چهار تا هشت و نیز قرون یازده تا سیزده درباره عالم اظله و ارواح،^۴ انسان در عالم ذر از منظر قرآن و اثبات تعدد عالم ذر،^۵ تواتر روایات عالم ذر و مضامین آنها،^۶ و دیدگاه عالمان قرون چهار تا هشت و نیز قرون یازده تا سیزده درباره عالم ذر را بررسی کرده است.^۷

۱. شیخ صدوق، الاعتقادات، ص ۴۷-۴۸.

۲. اصفهانی، تقریرات، ص ۶۵ به بعد.

۳. بیابانی، «انسان در عالم اظله و ارواح: آیات و احادیث»، ص ۹-۳۳.

۴. بیابانی، «عالم اظله و ارواح، آرای دانشمندان از قرن ۴ تا ۸»، ص ۱۰-۲۳؛ بیابانی، «عالم اظله و ارواح، بررسی اقوال دانشمندان، قرن ۱۱ تا ۱۳»، ص ۱۰-۳۰.

۵. بیابانی، «انسان در عالم ذر، حقیقت و جایگاه قرآنی آن»، ص ۱۱۰-۱۳۰.

۶. بیابانی، «انسان در عالم ذر: نتایج و تواتر روایات»، ص ۱۱۹-۱۲۶.

۷. بیابانی، «انسان در عالم ذر: آرا و اقوال دانشمندان قرن ۴ تا ۸»، ص ۷۴-۹۲؛ بیابانی، «انسان در عالم ذر،

آقای علی افضلی نیز با دفاع از آموزه عالم ذر در مقاله‌ای به اشکالات کلامی و فلسفی عالم ذر پاسخ گفته است.^۱ وی در مقاله‌ای دیگر در مقام بیان اقسام بدن، بدن ذری را یکی از اقسام بدن دانسته است که علاوه بر دنیا، در آخرت نیز بن مایه اصلی بدن انسان خواهد بود.^۲ در همین باره کتاب *سد المفرد علی منکر عالم الذر*^۳، که به املائی مرحوم شیخ محمدباقر علم الهدی و به قلم شاگردش سید علی رضوی تحریر یافته، حائز اهمیت است. نویسنده کتاب در چهار بخش متوالی به ترتیب دیدگاه مثبتان عالم ذر، نافیان آن، دیدگاه شیخ مفید و دیدگاه علامه طباطبایی در این باره را مشروحاً نقل کرده و همان‌گونه که از عنوان اثر پیدا است، تلاش کرده که همه راه‌ها را برای انکار عالم ذر ببندد. در این اثر بنا به اقتضای مقام، مباحث خلقت نوری و عالم ارواح نیز مطرح شده است.

علامه امینی از شخصیت‌های علمی برجسته‌ای است که بدون آنکه به مکتب معارف یا تکلیک تعلق داشته باشد، به تفصیل در تأیید عوالم پیشین سخن گفته است. وی در کتاب *المقاصد العلیة فی المطالب السنیة*، در توضیح آیه ۱۷۲ از سوره اعراف معروف به آیه الست، با اشاره به اینکه پیش از این عالم، شه عالم متمایز از هم، یعنی اظله، ارواح و ذر، وجود داشته،^۴ سخن را به عالم ذر معطوف می‌کند و ۱۹ آیه را که بر حسب روایات فراوان تفسیری، از عالم ذر و میثاق سخن می‌گویند برمی‌شمارد. در ادامه سند ۴۰ روایت از روایاتی که نقل کرده را بررسی می‌کند تا نشان دهد که همگی صحیح و معتبرند.^۵ علامه امینی در همین کتاب در تفسیر آیه (ولله الاسماء الحسنی

→ آرا و اقوال قرن ۱۱-۱۳»، ص ۱۱۵-۱۴۳.

۱. افضلی، «پاسخ به اشکالات کلامی و فلسفی درباره عالم ذر»، ص ۸۵-۱۱۲.

۲. افضلی، «اقسام بدن انسان و نقش آنها در دنیا، برزخ و قیامت»، ص ۱۱۸ به بعد.

۳. علم الهدی، *سد المفرد علی منکر عالم الذر*، ص ۱۵۵-۱۷۵.

۴. امینی، *المقاصد العلیة فی المطالب السنیة*، ص ۱۳۶.

۵. همان، ص ۲۷۰-۱۸۶.

فادعوه بها)^۱، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را «اسم الله» و «کلمة الله» معرفی می‌کند^۲ و با بیان تقدم ایشان در همه عوالم،^۳ به کرات به روایات دال بر خلقت نوری اهل البیت علیهم السلام و روایات دال بر نخستین مخلوق بودن ایشان استناد می‌کند.^۴ آیت‌الله مسلم داوری نیز با گردآوری روایات خلقت نوری از منابع شیعه و سنی تعدادی از آنها را صحیح دانسته است.^۵

۲. دومین موضع عالمان امامی در قبال روایات عوالم پیشین، انکار یا تأویل مضمون آنها با رویکرد عقل‌گرایانه است؛ نظیر آنچه در شیخ مفید دیده می‌شود.^۶ در عصر حاضر نیز آیت‌الله مکارم شیرازی با استدلال‌هایی مشابه آنچه در مطاوی کتاب از شیخ مفید و نیز سید مرتضی نقل خواهیم کرد، عالم ذر را رد و انکار کرده است.^۷ تا جایی که نگارنده بررسی کرده، وی دیدگاهی درباره عالم ارواح و خلقت نوری اهل البیت علیهم السلام مطرح نکرده است.
۳. موضع سوم عبارت است از پذیرش مضمون آنها با تفسیر و رویکرد فلسفی-عرفانی که در مکتب ملاصدرا قابل رصد است.^۸

در عصر حاضر، علامه طباطبائی پس از نقل قول مثبتان و منکران عالم ذر، نظر هر دو گروه را رد می‌کند و نتیجه می‌گیرد که عالم ذر - که در آیه الست از آن سخن به میان آمده است - برخلاف نظر منکران عالم ذر همین دنیا نیست، بلکه عالمی است

۱. سوره اعراف، آیه ۱۸۰.

۲. امینی، المقاصد العلیة فی المطالب السنیة، ص ۹۸-۱۰۳.

۳. همان، ص ۱۱۳-۱۱۵.

۴. همان، ص ۱۱۸-۱۲۹.

۵. داوری، النبی الاعظم و وجود الثوری.

۶. شیخ مفید، المسائل السرویة، ص ۳۹-۴۰؛ شیخ مفید، المسائل العکبریة، ص ۲۸-۲۹.

۷. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ ج ۱۷، ص ۴۵۵؛ ج ۱۹، ص ۳۸۱.

۸. ملاصدرا، شرح اصول الکافی، ج ۴، ص ۱۵۲-۱۵۴؛ فیض کاشانی، کلمات مکتوبه من علوم اهل الحکمة و المعرفة، ص ۱۸۹-۱۹۱.

مقدم بر عالم دنیا. همچنین برخلاف نظر مثبتان عالم ذر تقدم زمانی بر عالم دنیا ندارد، بلکه محیط بر عالم دنیا است. به نظر علامه، انسان دارای دو وجه است: وجهی به خدا و وجهی به مخلوقات. انسان در «وجه رو به خدا»یش در حقیقت یک وجود جمعی دارد که در آن انسان‌ها هم برای یکدیگر و هم برای خدای خود حاضرند و خداوند نیز برای ایشان حاضر است؛ این وجه از وجود انسان «ملکوت» نام دارد.^۱ وی اشکالات وارد بر تقدم زمانی عالم ذر را بر تقدم زمانی ارواح نیز وارد می‌داند.^۲ به نظر علامه، روایتی که اولین مخلوق را نور پیامبر ﷺ می‌داند از دیگر روایات که اولین مخلوق را آب یا لوح یا قلم می‌دانند قوی‌تر و روشن‌تر است. وی در تفسیر این روایت، نور پیامبر ﷺ را همان روح می‌داند که در لسان حکمت به او عقل اول گفته می‌شود:

«نور رسول الله... که همان روح است... در قوس نزول، عوالم را طی نموده و به عالم طبع و ماده رسید و بعداً به واسطه طی قوس صعود می‌رسد به همان جا، و ازل و ابد با یکدیگر واحد می‌شوند. این روح همین جور سرازیر می‌شود تا می‌رسد به عالم ماده، به ماده جزئی و بعد کم‌کم شروع می‌کند به حرکت جوهری و پیشرفت می‌کند به سوی کمال خود، تا رفته‌رفته برسد به همان معنایی که می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورَ نَبِيِّكَ يَا جَابِرُ»، و چیز تازه‌ای به وجود نیامده است؛ همان است که هست، فقط یک نزول و صعودی پیدا شده است».^۳

کاربرد اصطلاحاتی از قبیل عقل اول، قوس نزول و صعود و حرکت جوهری از صبغه صدرایی و عرفانی اندیشه علامه حکایت می‌کند. به نظر علامه، روایات دال بر تقدم آفرینش پیامبر ﷺ و اهل البیت علیهم السلام بر مابقی مخلوقات مستفیض یا متواتر است و این

۱. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۲۰-۳۲۱.

۲. همان، ص ۳۲۷.

۳. حسینی طهرانی، مهر تابان، ص ۳۵۰-۳۵۱.

تقدم در خلقت فقط در صورتی قابل تصور است که اهل‌البیت علیهم‌السلام تجرد تام داشته باشند. وی معتقد است که روایات طینت و خلق ارواح قبل از ابدان، در حقیقت مضمون روایات تقدم خلقت اهل‌البیت علیهم‌السلام بر مابقی مخلوقات را تأیید می‌کنند.^۱ این تفسیر از روایات خلقت نوری، در حقیقت منطبق کردن مضمون آن با هستی‌شناسی مبتنی بر عوالم چهارگانه طولی است که علامه در برخی از آثار خود، از جمله الرسائل التوحیدیه، از آن سخن گفته است.

به نظر وی، وجود مشتمل بر چهار عالم مترتب است: ۱. عالم لاهوت که همان عالم اسما و صفات است؛ ۲. عالم تجرد تام که عالم عقل، روح و جبروت نیز نام دارد؛ ۳. عالم مثال که عالم خیال، مثل معلقه، برزخ و ملکوت نیز نام دارد و ۴. عالم طبیعت که عالم ناسوت نیز نام دارد. روشن است که از نظر علامه، خلقت نوری بر خلقت عالم دوم، یعنی عالم تجرد تام که همان عالم عقل، روح یا جبروت است، تطبیق می‌کند.

به رغم همه آثار پیش‌گفته، به نظر می‌رسد جای پژوهش‌های تاریخی جامع‌الاطراف درباره هر کدام از سه موضوع خلقت نوری اهل‌البیت علیهم‌السلام، عالم ارواح و عالم ذر همچنان خالی است. کتاب پیش‌رو بررسی تاریخی موضوع نخست را محور بحث قرار داده است؛ در عین حال بنا به اقتضای بحث، به ویژه در مقام گزارش و تحلیل سخن عالمانی که عوالم پیشین را یک‌جا و به طور کلی منکر شده‌اند، از توجه ضمنی به دو موضوع دیگر غفلت نورزیده است.

فصل نخست از پنج فصل کتاب حاضر، که طولانی‌ترین فصل است، احادیث خلقت نوری را، که خاستگاه تمام مباحث کلامی در باب خلقت نوری‌اند، به بحث گذاشته است. این فصل تلاش کرده که فهرستی جامع از احادیث خلقت نوری در

۱. علامه طباطبایی، الرسائل التوحیدیه، ص ۱۱۰.

۲. همان، ص ۱۰۴.

منابع روایی امامیه در قرون نخستین، یعنی تا قرن پنجم، به دست دهد؛ تا جایی که نگارنده بررسی کرده جای این گردآوری تا کنون خالی بوده است. این گردآوری علاوه بر ارائه همه احادیث خلقت نوری، در صدد روشن کردن وزن حدیثی و کلامی این احادیث است؛ از این رو، در این فصل بین منابع حدیثی معتبر و منابعی که در اعتبار یا انتسابشان به مؤلف چون و چرا شده تفکیک شده و احادیث خلقت نوری هر کدام از این دو دسته به صورت مجزا گزارش شده است.

اقدام دیگری که در این فصل صورت گرفته، اعتبارسنجی سندی و مضمونی احادیث خلقت نوری است. گام سوم این فصل در سنجش اعتبار احادیث خلقت نوری عبارت است از توجه به تواتر احادیث خلقت نوری، در اصل مضمون خلقت نوری، بی آنکه جزئیات محتوایشان مد نظر باشد. بدین منظور روایات واقع در طبقات اسناد ۱۵ روایت از مجموع روایات خلقت نوری معرفی و شمارش شده‌اند؛ چرا که به نظر می‌رسد همین تعداد، که کمتر از نصف احادیث خلقت نوری در منابع معتبراند، برای نشان دادن تواتر کفایت می‌کند. در بخش اخیر این فصل، تاریخ دو حدیث از احادیث خلقت نوری منقول از امام رضا علیه السلام بررسی و تلاش شده که با تاریخ‌گذاری سند و منابع این دو حدیث دیرین‌ترین زمان نقل آنها شناسایی شود. این فصل همچنین مضمون این دو حدیث را با دیگر احادیث احیاناً صحیح درباره خلقت نوری می‌سنجد تا میزان انطباق یا سازگاری آنها را مشخص کند و نیز نشان می‌دهد که حتی احادیث ضعیف‌السند می‌توانند در ترسیم تاریخ یک باور نقش داشته باشند و به لحاظ محتوایی معتبر تلقی شوند.

فصل دوم تلاش می‌کند از طریق پیوند زدن و ترکیب مجموع احادیث خلقت نوری پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل البیت علیهم السلام، که هر کدام گوشه‌هایی از ماجرای خلقت نوری را بیان می‌دارند، داستان خلقت نوری را از ابتدا تا انتها بازسازی کند. این فصل نشان می‌دهد که احادیث خلقت نوری، به‌رغم پاره‌ای اختلافات، در کل با یکدیگر

هماهنگ‌اند و همچون قطعات یک جورچین، تصویر سازواری از این آموزه به دست می‌دهند.

فصل سوم روشن می‌کند که کدام‌یک از جریانات حدیثی یا کلامی در هر کدام از دو مدرسه کوفه و قم، احادیث خلقت نوری اهل‌البیت علیهم‌السلام را نقل کرده و به آن اعتقاد ورزیده‌اند. این نکته علاوه بر اینکه سیر تاریخی اعتقاد به این موضوع را در این دوره زمانی روشن می‌کند، از آن حیث نیز اهمیت دارد که می‌تواند به ترسیم مرزهای محتمل اعتقادی بین بدنه اصلی امامیه و متهمان به غلو کمک کند. خواهیم گفت که این مرزبندی به معنای قرار دادن متهمان به غلو در شمار غالیان نیست؛ چراکه این اتهام را کسانی مطرح کردند که نتوانستند مرز میان عقاید اصیل امامی با باورهای خط غلو را به درستی تشخیص دهند. در این فصل، روایان مجموع احادیث خلقت نوری در کتب روایی معتبر از حیث اینکه به کدام خط یا جریان فکری تعلق دارند، شناسایی شده‌اند. این فصل نشان می‌دهد که نقل روایات خلقت نوری اهل‌البیت علیهم‌السلام در دو مدرسه کلامی و حدیثی کوفه و قم به متهمان به غلو اختصاص نداشته، بلکه روایت غیر متهم این دو مدرسه نیز دست‌اندرکار نقل این قبیل احادیث بوده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که گزارش احادیث خلقت نوری و اعتقاد به مضمونشان در این دو مدرسه امری مرسوم بوده است.

فصل چهارم به دنبال پاسخ به این پرسش است که چرا متکلمان بغداد، به طور مشخص شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی، موضعی منفی در قبال خلقت نوری و عوالم پیشین انسان اتخاذ کرده‌اند، در حالی که می‌دانیم محدثان و محدث متکلمان کوفه و قم قول به خلقت نوری اهل‌البیت علیهم‌السلام و وجود پیشین عموم انسان‌ها را پذیرفته بودند. این فصل تلاش می‌کند عوامل نظری و روگردانی بغدادیان از موضع مثبت محدثان و محدث متکلمان درباره خلقت نوری و وجود پیشین انسان را شناسایی و معرفی کند. از آنجا که انکار خلقت نوری و وجود پیشین انسان مستلزم

عبور از سد روایات مثبت آنها است، تعامل تأویل‌گرایانه متکلمان بغداد با این روایات مورد توجه در این فصل قرار گرفته است.

در فصل پنجم موضع عالمان مدرسه ری، که بعد از افول مدرسه بغداد رونق یافت، در قبال خلقت نوری و وجود پیشین انسان بررسی شده است. این فصل با کاوش در آثار برج مانده از عالمان این مدرسه نشان می‌دهد که احادیث خلقت نوری اهل البیت  در مدرسه ری افزایش کیفی داشته است و در آثار برخی از عالمان این مدرسه، احادیثی در این باره درج شده که مضامین عالی آنها در احادیث دو مدرسه پیشین، مشهود نیست. این فصل در نهایت تلاش می‌کند روشن کند که عالمان مدرسه ری، که از طرفی با احادیث نویافته و ژرف‌تری در باب خلقت نوری آشنا شده بودند و از طرف دیگر موضع منفی متکلمان مدرسه بغداد در قبال خلقت نوری و عوالم پیشین را به ارث برده بودند، چگونه بر تنش بین میراث حدیثی، که مثبت خلقت نوری و عوالم پیشین است، و میراث کلامی، که خلقت نوری و عوالم پیشین را انکار می‌کند، غلبه کرده‌اند.

فصل ششم، فصل پایانی کتاب، تلاش می‌کند با نگاهی از فراز تاریخ باور داشتن یا نداشتن به خلقت نوری در امامیه راه، از آغاز تا پایان قرن ششم، گزارش و تحلیل کند. باری، این مکتوب اگر توانسته باشد پرتوی ولو اندک به تاریخ حدیث و کلام امامیه بیفکند، پس از الطاف بیکران خداوند متعال و عنایات اهل البیت ، بی‌اغراق مرهون مشعل‌های پرفروغی است که استاد محمدتقی سبحانی در مسیر نویسنده برافروخته است؛ و اگر رخنه‌هایی در دل کار هست - که بی‌تردید هست - ترمیم آن در گرو نکته‌سنجی‌های خوانندگان باریک‌اندیش است. نویسنده را امید است که همچنان از آن مشعل‌ها فروغی و از این سنجش‌ها رفع و رجوعی نصیبش گردد.